

امتحانات متمرکز عمومی نیمسال اول ۱۴۰۲-۱۴۰۱

ساعت برگزاری: ۸:۳۰ صبح	نمره: ۲۰	مدت پانگونی: ۹۰ دقیقه
------------------------	----------	-----------------------

شماره یا نام مصحح اول	نمره بر عدد	نمره بر حروف
شماره یا نام مصحح دوم	نمره بر عدد	نمره بر حروف

مهر مدرسه

کد طلکین:

کد امتحان:	۲۴۰۱۱/۱۱
تاریخ آزمون:	۱۴۰۱/۱۰/۲۱
عنوان:	اصول فقه ۱
کتاب:	آموزه‌های علم اصول
محدوده:	درس اول تا ابتدای درس نوزدهم (ص ۱۱۸-۱۵)
حذفیات:	ندارد

از نوشتن نام و نام خانوادگی در برگه امتحان و پاسخنامه، خودداری نمایید.

۰/۵

۱- موضوع علم اصول چیست؟ ص ۱۹

- الف. ادله مشترک در عملیات استنباط
- ب. عناصر خاصه در عملیات استنباط
- ج. قرآن و سنت و اجماع و عقل
- د. هر دلیلی در عملیات استنباط

۰/۵

۲- علم اصول نسبت به فقه به کدام علم تشبیه شده است؟ ص ۲۱

- الف. هندسه
- ب. فلسفه
- ج. منطق
- د. کلام

۰/۵

۳- پیشاپیش مکاتب اهل سنت کدام مکتب معنای نظر و فکر شخص مجتهد را برای واژه اجتهاد باب کردند؟ ص ۲۸

- الف. مکتب احمد بن حنبل
- ب. مکتب ابوحنیفه
- ج. مکتب شافعی
- د. مکتب مالک

۰/۵

۴- عنصر مشترک میان ادله محرز و اصول عملیه چیست؟ ص ۴۰

- الف. حجیت ظهور
- ب. حجیت امارات
- ج. اصل برائت
- د. حجیت قطع

۰/۵

۵- «ماده فعل» و «هیئت فعل» به ترتیب چه نوع معنایی دارد؟ ص ۶۰

- الف. معنای حرفی - معنای اسمی
- ب. معنای اسمی - معنای اسمی
- ج. معنای اسمی - معنای حرفی
- د. معنای حرفی - معنای حرفی

۰/۵

۶- آیه شریفه: «ان جاءکم فاسق بنیا فتبیتوا...» برای اثبات حجیت کدام دلیل استفاده می‌شود؟ ص ۹۱

- الف. خبر متواتر
- ب. خبر واحد
- ج. شهرت
- د. اجماع

۷- یک اشکال تعریف حکم شرعی به «خطاب شرعی مربوط به کارهای مکلفان» را بیان کنید و تعریف صحیح را بنویسید. ص ۳۶-۳۵

جواب: اولاً خطاب، کاشف از حکم شرعی است و حکم، مدلول خطاب است نه خود خطاب. ثانیاً حکم شرعی همیشه متعلق به کارهای مکلف نیست بلکه گاهی به خود مکلف یا به چیزهای دیگری تعلق می‌گیرد. [یک اشکال کفایت می‌کند] پس بهتر است به جای تعریف مشهور بگوییم: حکم شرعی، قانونی است که از سوی خداوند برای ساماندهی به زندگی انسان صادر شده است.

۸- رابطه بین «تصور لفظ» و «تصور معنا» چگونه است؟ ص ۴۹
جواب: رابطه بین تصور لفظ و تصور معنا تا حدود زیادی شبیه به رابطه آتش و گرما است از این رو می‌توان گفت: تصور لفظ، سبب تصور معنا است. [ارساندن مفهوم کفایت می‌کند]

۹- اراده استعمالی و اراده جدی را توضیح دهید. ص ۶۶
جواب: هر گاه گوینده لفظی را بگوید تا ذهن شنونده بتواند به معنای آن منتقل شود، اراده گوینده را که می‌خواهد از راه لفظ، معنا را به ذهن شنونده بیاورد اراده استعمالی می‌گویند و به غرض اصلی در ضمیر گوینده که می‌خواهد از ثبوت و وجود معانی جمله در عالم واقع به ما گزارش دهد اراده جدی می‌گویند.

۱۰- دلالت اطلاق بر شمول چگونه است و منشأ این دلالت چیست؟ با یک مثال توضیح دهید. ص ۷۷-۷۸
جواب: وقتی گوینده‌ای در ضمیرش قصدی دارد که او را به کلام واداشته است از ظاهر حالش پیدا است که بنا دارد مقصود خود را کامل بیان کند پس اگر بگوید «اکرم الجار» و مقصودش تنها همسایه مسلمان باشد به این گفته اکتفا نمی‌کند بلکه قاعداً چیزی در پی آن می‌گوید که بر قید اسلام دلالت کند. هر گاه چنین قیدی در کلام خود نیاورد می‌فهمیم که آن قید در مقصود او نبوده است بنابراین از سکوت او و نیاوردن قید، اطلاق را کشف می‌کنیم.

۱۱- برای پی بردن به مقصود گوینده از دو ظهور کمک می‌گیریم آنها را توضیح دهید. ص ۸۳
جواب: الف - ظهور لفظ در مرحله دلالت تصویری در یک معنای معین که هنگام شنیدن این لفظ آن معنا زودتر از دیگر معانی به ذهن می‌آید. ب- ظهور حال گوینده، که از حال متکلم بر می‌آید که معنایی را در نظر دارد که مطابق با ظهور لفظ در مرحله دلالت است. پس مراد او نزدیک ترین معنای لغوی لفظ است.

۱۲- مراد از «سیاق» چیست؟ ص ۸۵
جواب: چیزهایی که در نشان دادن مراد گوینده از لفظ، نقش دارند خواه این چیزها لفظی باشند مانند کلماتی که با لفظ مورد نظر، یک کلام به هم پیوسته را به وجود آورده است و یا حالی باشد مانند شرایط و اوضاع و احوالی که بر فضای کلام احاطه و در دلالت آن نقش دارد.

۱۳- سیره عقلاء را با مثال توضیح دهید و فرق آن را با سیره متشرعه بیان کنید. ص ۹۶
جواب: سیره عقلاء گرایش فراگیر عقلاء به یک رفتار خاص است که دین در پیدایش آن گرایش دخالتی ندارد مانند گرایش همگانی مردم به اعتماد و استناد به ظاهر کلام گوینده و یا به خبر ثقه.

سیره متشرعه زائیده بیان شرعی است و از باب کشف معلول از علت، بیان شرعی را نشان می‌دهد اما سیره عقلاء زائیده بیان شرعی نیست بلکه نتیجه علل و عوامل دیگری است که گرایش و رفتارهای عقلاء مطابق با آن شکل می‌گیرد.

۱۴- جعل حکم و فعلیت آن را در قالب یک مثال توضیح دهید. ص ۱۰۷
جواب: هنگامی که شارع به وجوب حج بر مستطیع حکم کرد و آیه «و الله علی الناس حج البیت من استطاع الیه سبیلاً» فرود آمد، حج یکی از واجبات و احکام ثابت در شریعت اسلام شد. حال اگر در آن هنگام، مسلمانی که شرعاً مستطیع باشد یافت نمی‌شد وجوب حج متوجه هیچ‌یک از مسلمانان نبود و هر گاه مسلمانی مستطیع می‌شد حج بر او واجب می‌شد. بنابراین به ثبوت حکم در شریعت، «جعل حکم» و به ثبوت حکم بر مکلف معین «فعلیت حکم» می‌گویند.

۱۵- مقدمه وجوب و مقدمه واجب را با یک مثال برای هر کدام توضیح دهید. وظیفه مکلف در قبال هر یک را بنویسید. ص ۱۱۴
جواب: مقدمات متعلق حکم مانند وضو برای نماز و فراهم آوردن آب که وضو وابسته به آن است را مقدمه واجب می‌گویند. ولی آن دسته از اموری که در پیدایش موضوع وجوب نقش دارند مانند استطاعت برای حج و کسب درآمد و رفتن به محل کار، مقدمه وجوب گفته می‌شود. مکلف موظف به ایجاد مقدمه واجب است مانند کسی که نماز برایش واجب شده وضو گرفتن واجب است ولی مقدمه وجوب مانند استطاعت برای حج، تحصیل آن بر مکلف واجب نیست.